

چند کلام با بهادر زمانی، بازیگر نقش سهراب

بازی در **سوجان**، چالش جالبی بود



باشد، چون فضای این سریال کاملاً جدی است.

عبور از یک مرز باریک

یکی از ویژگی‌های که شخصیت سهراب دارد، مثبت بودن این کاراکتر است که هم می‌تواند مخاطبان را به خود جذب کند و هم در صورت زیاده‌روی در این نوع پرداخت، باعث شود بینندگان او را پس بزنند. زمانی تحلیل خود از این شخصیت را چنین ارائه می‌دهد: در همه کارهای یک جور نقشه‌راه تعریف می‌کنم. کافی است واقعا فکر کنم اگر من آن کاراکتر بودم و در زمان مشخصی که فیلمنامه روایت می‌کند، حضور داشتم و با نوع تفکر و گذشته‌ای که برای نقش در متن نگارش شده زندگی می‌کردم، چه رفتاری از خود نشان می‌دادم. ممکن است بازیگر دیگری برای ایفای نقش سهراب، معیار متفاوتی داشته باشد. مدل بازی من این طور است که نگاه می‌کنم اگر بهادر زمانی در آن موقعیت بود و چنین پیشینه‌ای داشت؛ یعنی داشتن مادری روستایی و یک برادر بزرگ‌تر کمی با شرایط خاص؛ همچنین خواهری که یک ازدواج سرسری با فردی که خیلی اخلاق مدار نیست کرده، چه کار می‌کردم؟ معمولا از این‌که از خودم برای خلق یک شخصیت جدید، فاصله بگیرم، می‌پرهیزم. چون این طوری احتمال این‌که تصنعی دربیاید خیلی زیاد است.

من به جای تو

با تحلیل شخصیت سهراب با توجه به گذشته و حالش می‌توان گفت، امکان این‌که چنین فردی در جامعه به بیراهه کشیده شود، زیاد است اما او در قصه سوجان، فردی است که وجوه مثبتش بروز بیشتری دارد. زمانی در این باره به تجربیات خود رجوع می‌کند و می‌گوید: اینها تجربیات زندگی شخصی خودم هم بوده؛ یعنی در جاهایی در دوراهی‌هایی قرار گرفتم که نمی‌توانستم کار دیگری بکنم و گاهی خطاهایی هم انجام دادم و پشیمانی‌ها در زندگی‌ام خیلی من را آزار داده است. فکر می‌کنم چون سهراب مسئولیت خانواده بر دوشش بوده و پدرش خیلی زود فوت شده، همیشه سعی کرده خود را در زندگی پخته‌تر نشان دهد و کم خطا کند؛ بنابراین ناخودآگاه در مسیر زندگی به سمت خوب بودن و انتخاب درست کردن رفته و این برایش ایجاب کرده که پهلوان منشی را به خاطر شرایطش داشته باشد و این‌گونه تربیت شده است. این بازیگر در پایان با ذکر مثالی می‌گوید: امسال یک سریال نمایش خانگی بازی کردم که در داستان آن به زندان می‌روم. یکی از دوستانم از من سوال کرد: «تو که تا حالا تجربه زندان رفتن نداشتی، چطور توانستی نقش زندانی را به گونه‌ای بازی کنی که دل‌مان برای نامردی که بر سر این شخصیت آمده بود، بسوزد؟ همدات‌پنداری‌ات با هم سلولی‌هایت در زندان واقعا خوب و باورپذیر بود». در پاسخ به او گفتم: فقط به این فکر می‌کردم که اگر من، یعنی بهادر زمانی جای آن شخصیت بودم، چه کار می‌کردم.

بیش از همیشه، سال ۹۳ با ایفای نقش حضرت ابوالفضل(ع) در فیلم رستاخیز، نامش بر سر

نوشین مجلسی
دبیر
قاب کوچک



زبان‌ها افتاد. بهادر زمانی، بازیگر این نقش اما به دلیل این‌که رستاخیز آنچنان که باید دیده نشد، نتوانست از حضور مؤثر در این فیلم به عنوان سکوی پرتاب استفاده کند. او پس از آن در سریال‌های تنهایی لیل، کرگدن و یاور حضور پیدا کرد. تجربه کارگردانی مستند را به دست آورد و... تا این‌که سه سال پیش، اولین فیلم مستقل خود به نام «برکه خاموش» را ساخت. فیلمی که اخیرا در گروه هنر و تجربه اکران شد. بیراه نیست اگر بگوییم در میان این آثار، نقش سهراب که این شب‌ها از او در سریال «سوجان» می‌بینیم بیشترین عامل دیده شدنش نزد عامه مخاطبان است. زمانی در این سریال در قامت جوانی، پهلوان و با اخلاق ظاهر شده است. وی در گفت‌وگوی پیش‌رواز تجربه ایفای این نقش و نزدیک کردن خود به آن می‌گوید.

دنبال تکرار گذشته نیستم

بهادر زمانی، بازیگر نقش سهراب تا امروز اغلب ایفاگر نقش‌های مثبت بوده است. این بازیگر انتخابش برای حضور در سریال سوجان را چنین شرح می‌دهد: با توجه به شرایط فیزیکی و آنچه در مورد سهراب در نظر داشتند، وقتی از در وارد شدم آقای تبریزی (کارگردان) گفت با او قرارداد ببندید و حتی نگذاشت من بنشینم. ابتدا پارت اول فیلمنامه را دادند تا بخوانیم، می‌توانم بگویم همین بخش حدود ۲۰ کیلو وزن داشت. آقای تبریزی خلاصه‌ای را برایم توضیح داد. بیشتر نگاه کارگردان برای من مهم بود. وقتی توضیح دادند دیدم می‌شود وجوه مشترکی با آن بسازیم.

این بازیگر درباره جذابیت این نقش برای خودش عنوان می‌کند: تا حالا کاری به این شکل در شهرستان نداشتم و همین برایم چالش بود؛ چالشی جالب! عموما دنبال تکرار کارهای گذشته‌ام نیستم. باید مدت طولانی به شهرستان می‌رفتم و لهجه می‌گرفتم. این نکته هم جذاب بود. باید بالهجه‌ای بازی می‌کردم که نه خیلی غلیظ باشد و نه لوث شود و حالت تمسخر به خود بگیرد.

حرف زدن با آهنگ گیلانی

از این بازیگر می‌پرسیم چرا ترجیح دادند بیانش فقط آهنگ گیلکی به خود بگیرد و از غلظت لهجه دوری کردند. او پاسخ می‌دهد: گروه تولید از قبل خیلی درگیر لهجه بودند تا طوری شود که هم برای بومی‌ها توهین‌آمیز نشود و هم اتمسفر گیلانی را به خودش بگیرد. اگر همگی می‌خواستیم بدون لهجه حرف بزنیم، فضایی که الان می‌بینیم در نمی‌آمد. لذا مجبور بودیم عده‌ای بار لهجه را به دوش بکشند. کمی سخت بود که اشتباهی در لهجه صورت نگیرد و توهین‌آمیز نشود، همچنین نمی‌خواستیم لهجه‌ها طوری ادا شود که به کارهای کمدی شبیه

دی است که باتون را زمین گذاشته و دیگر برای آهنگین کردن لحظه‌های مان نه ارکستری را هد. شاید به یاران قدیمی‌اش در این هنر در عالم بالا پیوسته و این روزها بزم موسیقی میان موسیقی ایران دارد، از سال ۱۳۴۶ فعالیت حرفه‌ای‌اش را در قالب آهنگسازی آغاز کرد و نقطه برای همیشه جهان را به سوی ابدیت ترک کرد. این هنرمند هم در وزن دادن به آلبوم‌های دبی را به یادگار گذاشته است. به یاد شهبازیان که هفته گذشته او را از دست دادیم، نگاهی



دوران کشف حجاب دارد. شاید این سریال نتوانست موفقیت قبلی در یعنی سریال کیف انگلیسی را تکرار کند اما همچنان موسیقی آن یکی از ویژگی‌های ارزنده آن است.

دین دری
داع ابدی
ملوی را به
ی قطعات
هره بردن
تور ایجاد
ریخ ایران
یک پیوند
طی شده
شاخانی و

را، غصه‌را

بی که از ذهن پرتوان معصومیت از دست رفته ام در دنیا و اما رسیدن به صه در کوفه می‌گذشت و شهر را در مواجهه با خیر شهبازیان موسیقی ماندگار ری ساخت و در فضای روح داد. علاوه بر موسیقی‌های فراز و فرود روایت نقل می‌کند، این سریال دارد که همچنان مورد است. ترانه این قطعه را



محمد اصفهانی خوانده است. در بخشی از این قطعه تأثیرگذار چنین می‌شنویم: باور کن، باور کن تنها ماندی دلا/ دردا من، درداتو، دردا از عشق ما/ باور کن، باور کن غربت را، غصه را...

بیزان

م مدیون آهنگسازی تمامی که با قطعات او تلویزیون نیز روی آنتن ی زنده یاد شهبازیان نیز پاییزان محصول ۱۳۶۳ دانی رسول صدرعاملی مانده است. فیلم دیگر س ستایش اخراجی‌ها ۱۰ ری تأثیرگذاری داشت ن مخاطبان باقی مانده کارگردانی امیر قوبدل، مهرجویی، شام آخر ی و شیر سنگی (۱۳۶۵)



به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی تنها عناوین چند اثر ماندگار دیگر در کارنامه این هنرمند تازه درگذشته است. اما در میان همه این نام‌ها نمی‌توان به هیوا (۱۳۷۷) ساخته رسول ملاقلی‌پور اشاره نکرد که موسیقی‌اش تلفیقی از عشق و حماسه است.